



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان الاسلامیه فی ایران



جنگیدن در یک جنگ غیرقانونی و جنگیدن به نحو غیرقانونی: پیوند میان عملیات تغییر رژیم و
نقض حقوق بین الملل بشردوستانه
[واکاوی ابعاد حقوقی تجاوز به ایران]

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش‌های گسترده‌ای نزد ملت‌های مختلف شکل گرفت. این واکنش‌ها در مواردی مشابه بازتاب‌های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی، نمودهای برجسته‌تر داشت به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی‌ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه‌های مردم در لامرد با بمب‌های خاص دارای آثار ضد انسانی گسترده، هدف قراردادن ده‌ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیرساخت‌های مردمی ایران و هم‌چنین شهادت بیش از سه هزار شهروند بیگناه ایرانی توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته‌های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هرگونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می‌سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت‌ها موضع‌گیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته‌اند، به طور طبیعی از حقوق‌دانان بین‌المللی و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا انتظار بیشتری می‌رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را درک می‌کنند فلذا هرگونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش تلقی می‌شود.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی یا اساتید و کارشناسان فعال حقوقی در سطح جهانی واکنش‌های مناسبی داشتند و محتواهای قابل قبولی را منتشر کردند. اما بعضی افراد متأسفانه به هر علت و انگیزه‌ای سکوت پیشه کرده و مطلبی مفید را بازتاب ندادند. گروه سوم به بیان مطالب دوپهلوی و مبهم و بی‌خاصیت رو آوردند و نهایتاً گروهی نیز در خدمت متجاوزان قرار گرفته و تلاش کردند تا با آسمان و زمین به هم بافتن جنایات آشکار متجاوزان را توجیه کرده یا کمرنگ جلوه دهند. در بسیاری از متون منتشره فعالان حقوقی در مغرب زمین این پدیده نیز مشهود بود که اگر چند مطلب مثبت علیه تجاوز به ایران گفته‌اند از بیان برخی مطالب منفی علیه ایران نیز با عبارت‌های متنوع دریغ نورزیده‌اند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام حقوق‌دانان و با چه کیفیت فنی و حقوقی و در چه منابع تخصصی موضع‌گیری شفاف‌تری در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به ایران داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب

دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص متون منتشره ذریبط داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد. گزارش حاضر یکی از سلسله گزارشاتی است که به معرفی آثار مورد اشاره اختصاص یافته است.

مقاله ای که در گزارش حاضر معرفی شده نوشته یکی از حقوقدانان شناخته شده در حوزه مباحث حقوق بشردوستانه بین المللی است. وی تاکید دارد که هم اصل شروع جنگ علیه ایران هیچ پشتوانه حقوقی ندارد و جنگی غیر قانونی است و هم نحوه جنگیدن و میزان چگونگی رعایت قواعد حقوقی در خلال جنگ وضع بدی دارد و بارها حقوق بشردوستانه بین المللی نقض گردیده است. نویسنده شقوق مختلفی که ممکن است متجاوزان برای فرار از رعایت قواعد حقوقی بین المللی مطرح کنند را در نوشته خود معرفی و سپس به نقد و ارزیابی آنها پرداخته است. در مجموع، نویسنده از حقوق بین الملل دفاع می کند و وجود آنرا برای جامعه بین المللی مفید می داند ولو اینکه همانند جنگ علیه ایران به شکل های مختلف و آشکارا نقض گردد.

امور پژوهشی کمیسیون لازم می داند پیشاپیش این مهم را مورد تاکید قرار دهد که نظرات تخصصی ارائه شده از سوی هر نویسنده از جمله مولف مقاله حاضر، دیدگاههای شخصی خود اوست و ترجمه و انتشار دیدگاهها به معنای تأیید همه مطالب آنها نیست بلکه فرصتی فراهم می آورد که جامعه علمی یا مسئولان و سیاستگذاران کشور با اشراف به نظرات مطرح شده در سطح جهانی تحرك عالمانه تری از خود نشان دهند. با وجود نکته یاد شده، در متن پیش رو، حسب ضرورت، امور پژوهشی کمیسیون توضیحاتی در زیر نویس درج یا کلماتی را داخل براکت [] در متن افزود یا معادل انگلیسی برخی کلمات را در زیر نویس قید کرد تا بهره برداری از متن دقیق تر انجام پذیرد. نقد و ارزیابی فنی و مستقل دیدگاههای حقوقی مطرح شده در خصوص تجاوز به ایران مجال موسعی می طلبد که جداگانه باید انجام شود.

با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، موجبات تقویت حساسیت ها برای پیشبرد حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده به شرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

اردیبهشت ۱۴۰۵

♦ نویسنده: دکتر گابور رونا، مشاور حقوقی پیشین کمیته بین المللی صلیب سرخ و مدیر حقوقی سابق سازمان غیر دولتی «اول حقوق بشر» و مدرس کنونی حقوق بشردوستانه و حقوق کیفری بین المللی در دانشکده کوردوزو (نیویورک)

♦ مجری روند برگردان انگلیسی به فارسی: محدثه نخودچی، دانش پژوه دکترای حقوق بین الملل و همیار افتخاری کمیسیون

♦ ویرایش و نهایی سازی متن: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، اردیبهشت ۱۴۰۵

♦ مآخذ: مجله حقوقی دیحیتالی جاست سکیوریتی، ۲۰ مارس ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۰۸

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المفعنه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

جنگیدن در یک جنگ غیرقانونی و جنگیدن به نحو غیرقانونی^۱: پیوند میان عملیات تغییر رژیم و نقض حقوق بین الملل بشردوستانه

نوشته دکتر گابور رونا، مشاور حقوقی پیشین کمیته بین المللی صلیب سرخ و مدیر حقوقی سابق سازمان غیر دولتی «اول حقوق بشر» و مدرس کنونی حقوق بشردوستانه و حقوق کیفری بین المللی در دانشکده کوردوزو (نیویورک)

(انتشار در ۲۰ مارس ۲۰۲۶ برابر با ۲۹ اسفند ۱۴۰۴)

وقتی دولت‌ها برای جایگزین کردن خود نظام حکومتی دشمن به جنگ می‌روند، اهداف کارزار نظامی می‌تواند به عدم پابندی به قواعدی بینجامد که رفتار مخاصمه‌گران را در جریان مخاصمه‌ی مسلحانه تنظیم می‌کند. در نتیجه، نه تنها حقوق بین‌الملل حاکم بر منع توسل به جنگ، جز در شرایطی بسیار خاص، را تهدید می‌کند، بلکه حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ای را نیز که از غیرنظامیان در زمان جنگ حمایت می‌کند، به خطر می‌اندازد.

کارشناسانی که در این صفحات و در جاهای دیگر قلم زده‌اند، تقریباً به اتفاق، استفاده‌های اخیر از زور توسط ایالات متحده در ونزوئلا و نیز توسط ایالات متحده و اسرائیل در ایران را نقض حقوق بین‌الملل دانسته‌اند. برخی، مانند اونا هاتاوی^۲، به درستی اشاره کرده‌اند که دولت‌ها به طور فزاینده‌ای ممنوعیت توسل به زور را نقض می‌کنند، یا چنین نقض‌هایی را توسط دولت‌های دیگر توجیه می‌کنند. برخی پژوهشگران این نقض‌ها را محکوم می‌کنند و خواستار پاسخگویی می‌شوند. برخی دیگر، مانند یووال شانی^۳ و آمیتای کوهن^۴ و نیز کن واتکین^۵ استدلال می‌کنند که برای سازگارتر شدن قواعد با منافع امنیتی ادعایی دولت‌ها باید در این قواعد انعطاف ایجاد شود، اما آنان نقشی راه قانع‌کننده‌ای برای انجام این کار، بدون ایجاد سازوکاری مجازکننده برای دقیقاً همان چیزی که قانون در پی منع آن است، یعنی اعمال عریان تجاوز، مانند آنچه روسیه در اوکراین مرتکب شد، ارائه نمی‌کنند (پاسخی از

^۱. «جنگیدن در جنگ غیرقانونی» اشاره به راه انداختن جنگ با نقض موازین بین‌المللی توسل به زور دارد و اینکه اصولاً اصل این جنگ غیرقانونی و بدون مجوز حقوقی و نامشروع است و «جنگیدن به نحو غیرقانونی» اشاره به عدم رعایت موازین حقوقی بین‌المللی در خلال جنگ یا نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی دارد. (توضیح افزوده بر متن در کمیسیون)

^۲. Oona Hathaway

^۳. Yuval Shany

^۴. Amichai Cohen

^۵. Ken Watkin

ربکا همیلتون^۶ و تام داننبام^۷ به شانی و کوهن را می‌توان در اینجا یافت). در عین حال، درباره‌ی اثر غیرقانونی بودن توسل به زور بر رعایت قواعد ناظر بر نحوه‌ی اداره‌ی مخاصمات مسلحانه‌ای که در پی آن پدید می‌آیند، کمتر سخن گفته شده است

نقض [مجموعه موازین] حقوق توسل به زور؛ پایان حقوق بین‌الملل نیست...

همانطور که در بالا ذکر شد، کارشناسان در حال بحث در مورد این هستند که آیا به پایان حقوق بین‌الملل رسیده‌ایم یا خیر؟ به نظر من، اعلام مرگ حقوق بین‌الملل، به تعبیر مارک تواین^۸ (و با تقلید از واتکین^۹)، مبالغه‌آمیز است. حقوق بین‌الملل مجموعه‌ای گسترده، عمیق و پیچیده از عناصر است که شمار آنها آنقدر زیاد است که در اینجا نمی‌توان تمام آن را تجزیه و تحلیل کرد. کافی است گفته شود که اگرچه بسیاری از ما (از جمله نویسنده این متن) مشاهده کرده‌ایم که [مجموعه موازین] حقوق توسل به زور (حقوق ناظر به زمانی که کشورها می‌توانند به نیروی نظامی متوسل شوند) در هسته «نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد» قرار دارد، اما اغراق‌آمیز خواهد بود اگر بگوییم که چالش‌های مربوط به ممنوعیت استفاده از زور، پایان آن هنجارها یا حتی فروپاشی آن، نظم گسترده‌تر را نوید می‌دهند. دولت‌ها در این پروژه، از قواعد مربوط به دیپلماسی گرفته تا تجارت و مالیه، بهداشت، محیط زیست و بهره‌برداری از منابع طبیعی، دریاها، آزاد و فضای ماورای جو، حقوق بشر و همکاری در اجرای [حقوق] کیفری، و نیز دیگر حوزه‌ها، به قدری ذی‌نفع‌اند و این ذی‌نفعی به قدری دیرپا شکل گرفته که بعید است کل این پروژه را رها کنند. با این اوصاف، بی‌احترامی فزاینده به [موازین] حقوق توسل به جنگ مطمئناً فشارهایی را بر پایداری این موارد و سایر جنبه‌های حقوق بین‌الملل ایجاد خواهد کرد.

.....اما آنها حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در معرض خطر بزرگی قرار می‌دهند

^۶. Rebecca Hamilton

^۷. Tom Dannenbaum

^۸. Jus ad Bellum

^۹. Mark Twain

^{۱۰}. Watkin

^{۱۱} "Rules-based International order" (RBIO)

^{۱۲} International Humanitarian Law (IHL)

اگر قرار باشد یک جنبه از حقوق بین‌الملل را بیش از همه در معرض خطر ناشی از تضعیف منع توسل به زور بدانیم، آن [مجموعه موازین] حقوق ناظر به دوران جنگ^{۱۳} یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که برخی از آن به عنوان حقوق مخاصمات مسلحانه^{۱۴} یاد می‌کنند. [مجموعه موازین] حقوق توسل به جنگ را می‌توان به منزله حقوقی دانست که به «چرایی» استفاده از زور می‌پردازد و [مجموعه موازین] حقوق ناظر به دوران جنگ یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه را حقوق مربوط به "چگونگی آن".

حقوق بین‌الملل بشردوستانه در کنوانسیون‌های ژنو^{۱۵} مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن در ۱۹۷۷ و کنوانسیون‌های موسوم به لاهه^{۱۶} مصوب ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ [تدوین شده است. کنوانسیون‌های ژنو به حمایت‌هایی می‌پردازد که به «اشخاص خارج از نبرد» (خارج از جنگ) مانند رزمندگان مجروح، اسیران جنگی و غیرنظامیان اعطا می‌شود. حقوق لاهه مجموعه‌ای از کنوانسیون‌های مختلفی است که بر رفتار طرف‌های جنگ یا ابزارها و روش‌های جنگ حاکم است.

حقوق بین‌الملل یک دوگانگی شدید بین حقوق توسل به زور و حقوق ناظر به دوران جنگ را پیش‌بینی می‌کند. این تفکیک، که غالباً «دیوار آتش»^{۱۷} نامیده می‌شود، به گونه‌ای طراحی شده است که تضمین کند قوانین جنگ به طور برابر برای همه طرف‌های درگیر در منازعات مسلحانه اعمال شود، صرف نظر از اینکه هدف آنها عادلانه باشد یا تهاجم آنها غیرقانونی. دلایل اصل برابری طرف‌های مخاصمه تحت حقوق بین‌الملل بشردوستانه روشن است. نخست، زمان واقعی [قضاوت و داوری] وجود ندارد که [بتوان با فوریت و] به طور معتبر میان تجاوز و دفاع مشروع تمایز گذاشت و پیامدهای آن تمایز را اجرا کرد. دوم، اگر این موازین بر اساس تحلیل [مجموعه موازین] «حقوق ناظر به دوران جنگ» به صورت نامتقارن اعمال شوند، نمی‌توان از طرف‌های درگیر در منازعات مسلحانه انتظار داشت که از آنها پیروی کنند و این غیرنظامیان خواهند بود که قربانیان نهایی می‌شوند.

....به ویژه وقتی تغییر رژیم در دستور کار باشد

تغییر رژیم به طور کلی نقض هنجارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی می‌شود، زیرا مستقیماً استقلال سیاسی یک دولت را هدف قرار می‌دهد و احتمالاً استفاده‌ای نامتناسب از زور است. خارج از اختیارات خاص شورای

^{۱۳} Jus in Bello

^{۱۴} Law of Armed Conflict (LOAC)

^{۱۵} Firewall

امنیت [سازمان ملل]، تغییر یکجانبه رژیم [سیاسی یک کشور] "بسیار نامطلوب" است و "بار سنگین توجیه"^{۱۶} را فراروی قرار می دهد. هنگامی که جنگی با هدف غیرقانونی یا "تمام عیار" آغاز می شود، سابقه خطرناکی برای رفتار پس از آن، ایجاد می کند و دیوار حائل نظری بین [مجموعه موازین] حقوق توسل به جنگ و [مجموعه موازین] حقوق ناظر به دوران جنگ تحت فشار ساختاری شدیدی قرار می گیرد. دنبال کردن یک نتیجه سیاسی کامل - یعنی برچیدن یک دولت مستقل - اغلب به فرسایش سه رکن اصلی حقوق بین الملل بشردوستانه می انجامد: اصول تفکیک، تناسب و احتیاط.^{۱۷}

اصل تفکیک

قاعده تفکیک در حقوق بین الملل بشردوستانه، طرفین را ملزم می کند که بین رزمندگان و غیرنظامیان و بین اهداف نظامی و اشیاء غیرنظامی تمایز قائل شوند. در یک درگیری برای تغییر رژیم، تعریف «هدف نظامی» اغلب گسترش می یابد. مهاجمان ممکن است زیرساخت های «دو منظوره» مانند شبکه های برق، رسانه های دولتی یا وزارتخانه های غیرنظامی دولت را هدف قرار دهند، با این استدلال که این موارد برای بقای رژیم حیاتی هستند و بنابراین باید نابود شوند. اما در حقوق بین الملل بشردوستانه، هدف قرار دادن اشیاء دو منظوره به این سادگی نیست. آنها به عنوان یک طبقه حقوقی جداگانه از اهداف قابل حمله، شناخته نمی شوند، بلکه یک فرمانده باید (از حیث نظری) ثابت کند که هر هدف معین، از جمله هدفی که برای منظور نظامی و غیرنظامی استفاده می شود، در واقع تحت شرایط خاص موجود واجد وصف هدف نظامی است (اگرچه رویکردهای هدف قرار دادن اشیاء دو منظوره پیچیده و تا حدودی متنوع است، همانطور که در این بحث نشان داده شده است)، و سپس نسبت به همه جنبه های غیرنظامی آن شی، اگر به درستی یک هدف مشروع تشخیص داده شد، آزمون «تناسب» را اعمال کند. در یک عملیات تغییر رژیم، می توانیم پیش بینی کنیم که پاسخ به آن سؤالات حساس به سمت حملاتی خواهد رفت که با از دست رفتن غیرقابل قبول زیرساخت های غیرنظامی و جان انسان ها همراه است.

لغزش هنجارهای اساسی حقوق بین الملل بشردوستانه در زمینه تغییر رژیم، در مورد هدف قرار دادن خود غیرنظامیان نیز صادق است. همانطور که در گزارش های اخیر در مورد عملیات خشم حماسی^{۱۸} دیده شده، حملات، رهبران سیاسی و اعضای سرویس های امنیتی و اطلاعاتی را [با ادعای] مسئول سرکوب داخلی هدف قرار داده اند. برخی از

^{۱۶} Heavy burden of Justification

^{۱۷} The principles of distinction, proportionality, and precaution

^{۱۸} Operation Epic Fury

این افراد، مانند [نیروهای] سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که بخش رسمی از نیروهای مسلح ایران است، ممکن است [از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه] به عنوان رزمنده قابل هدف قرار گرفتن باشند. برخی دیگر، مانند محمد باصری، مقام ارشد وزارت اطلاعات مقامات غیرنظامی دولت هستند. بدیهی است [در منطق تفسیری پیگیری کنندگان تغییر یک نظام سیاسی گفته میشود] که این عناصر "دستگیره"^۹ رژیم باید سست شوند، اگر [حتی] نابود نگردند، تا تغییر رژیم محقق شود، و با این حال، چنین افرادی احتمالاً به خودی خود رزمنده یا غیرنظامیانی نیستند که مستقیماً در خصومت‌ها شرکت می‌کنند، تنها دسته‌هایی از افراد هستند که تحت حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌توانند، هدف قرار گیرند.

بدین ترتیب، جنگ به منظور تغییر رژیم لزوماً انگیزه قوی برای گسترش دایره هدف‌گیری فراتر از حدود مجاز حقوق بین‌الملل بشردوستانه ایجاد می‌کند [فلذا ناقض حقوق بشر دوستانه است].

پارادوکس تناسب

این که چه میزان آسیب به غیرنظامیان متناسب، و بنابراین مجاز، است، بسته به این که هدف نظامی تاکتیکی باشد (مانند «آن تپه را بگیر») یا راهبردی (مانند «آن رژیم را تغییر ده») متفاوت خواهد بود. تناسب راهبردی در این زمینه ظاهراً چنین می‌گوید که وقتی هدف، تغییر رژیم است، «برتری نظامی» ناشی از یک حمله منفرد در معرض اغراق قرار می‌گیرد؛ اگر فرماندهی باور داشته باشد که حمله به یک ساختمان غیرنظامی – مثلاً ساختمانی که در آن یک هدف نظامی هم وجود دارد – می‌تواند «رژیم را بی‌ثبات کند»، ممکن است آسیب جانبی بالا را به عنوان «هزینه‌ای لازم» برای یک نتیجه سیاسی دگرگون‌ساز توجیه کند و در نتیجه آن را در برابر برتری نظامی ارزشمند مورد انتظار، غیرمفرط بداند. پژوهشگران اشاره کرده‌اند که تحلیلی نوسازی‌شده از "تناسب" ضروری است، زیرا فرماندهان غالباً منافع «بلندمدت»، که می‌تواند سیاسی باشد، مانند تشکیل دولت جدید، را در برابر مرگ‌های «فوری» غیرنظامیان می‌سنجند. به اختصار، مخاصمه مسلحانه‌ای که با هدف تغییر رژیم آغاز می‌شود، خطر آن را دارد که ارزیابی‌های "تناسب" را به سوی گسترش ناموجه حدود اصل "تناسب" سوق دهد.

وظیفه احتیاط

اصل احتیاط، ایجاب می‌کند که دولت‌ها، «تمام اقدامات احتیاطی ممکن» را برای به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان انجام دهند. در سناریوهای تغییر رژیم، «سرعت» پیشروی اغلب بر «امکان‌سنجی» اقدامات احتیاطی غلبه

^۹ grip

می‌کند. میل به «فلج کردن زنجیره فرماندهی» می‌تواند به هدف‌گیری‌های سریع و شتاب‌زده منجر شود که بررسی اطلاعاتیِ دقیقی را که برای اطمینان از عدم قرار گرفتن غیرنظامیان در منطقه انفجار یک هدف مهم لازم است، کنار می‌گذارد. اگر هدف «شکست کامل» یک نظام باشد، انگیزه کمتری برای اتخاذ اقدامات احتیاطی پرهزینه یا زمان‌بر وجود دارد که ممکن است به رهبران رژیم اجازه فرار یا تجدید قوا بدهد. باز هم، یک هنجار اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمینه عملیات تغییر رژیم، ممکن است ناچار به خم شدن و شکستن شود.

چرخه بازخورد رفتاری: ^{۲۱}مسابقه‌ای به سوی سقوط

تلاش برای تغییر رژیم، برای طرف مدافع [در جنگ] انگیزه‌ای انحرافی و فاسد ایجاد می‌کند. وقتی یک رژیم با تهدید وجودی یا درخواست «تسلیم بی‌قید و شرط» روبرو می‌شود، همانطور که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، از ایران خواسته است، انگیزه اندکی برای پیروی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه خواهد داشت.

به عنوان مثال، یک رژیم محاصره شده، بیشتر احتمال دارد از سپر انسانی استفاده کند، دارایی‌های نظامی را در بیمارستان‌ها جاسازی کند یا سلاح‌های ممنوعه را به عنوان آخرین راه حل به کار گیرد. این امر به نوبه خود، مهاجم را به انتقام‌های غیرقانونی ^{۲۲} و حملات بی‌هدف بیشتر تحریک می‌کند و باعث ایجاد یک مارپیچ نزولی از احترام به حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌شود. حتی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز نسبت به تدابیر شدید افراطی که با برداشت‌های پذیرفته شده از تناسب، به سختی سازگار می‌شوند، وقتی در خدمت بقای دولت به کار می‌روند، بی‌تفاوت نبوده است. به عنوان مثال، اکثریتی از قضات دیوان نمی‌توانند نتیجه بگیرند که حتی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در صورتی که بقای کشور (نه لزوماً رژیم) در معرض خطر باشد، به طور قاطع غیرقانونی ^{۲۳} خواهد بود. در چارچوب عملیات خشم حماسی ایالات متحده و اسرائیل، این موضوع در کانون توجه قرار گرفته است؛ زیرا می‌بینیم ایران محاصره شده، هم شرکت‌های فناوری و هم بانک‌ها ^{۲۴} را در اسرائیل هدف قرار می‌دهد و ادعای ایران مبنی بر این است که در حال پاسخ به هدف قرار دادن بانک‌ها در تهران توسط ایالات متحده و اسرائیل است. طبق

^{۲۱}: Behavioral Feedback Loop

^{۲۲}: Unlawful Reprisals

^{۲۳}: Definitely Unlawful

^{۲۴}. بنا به گزارشات منتشره، ایران برخی شرکت‌های فناوری و مراکز مالی که مورد بهره‌برداری نیروهای مسلح اسرائیل و آمریکا در تجاوز به ایران قرار داشته را هدف قرار داده است. اسرائیل و آمریکا قبل آن دهها شرکت ایرانی اعم از شرکت‌های وابسته به بخش دولتی یا غیردولتی و خصوصی را هدف قرار داده‌اند هم چنین حمله به بانک‌ها از جمله بانک سپه نیز بازتاب‌های گسترده‌ای در پی داشته است. (توضیح افزوده بر متن)

نظر اکثریت کارشناسان، این موارد نقض اصل تفکیک حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که بر اساس آن صرفاً «فعالیت‌های پشتیبان یا تداوم بخش جنگ»^{۲۴} به عنوان متمایز از اعمالی که «مشارکت مستقیم در خصومت‌ها»^{۲۵} را تشکیل می‌دهند، قابل هدف‌گیری نیستند. اگر غیر از این بود، هر مالیات‌دهنده در دولتی که در حال جنگ است می‌توانست، هدف قرار گیرد. البته، حقوق بین‌الملل بشردوستانه به طور سنتی یک حق تلافی‌جویی^{۲۶} را به رسمیت شناخته است، رفتاری که معمولاً غیرقانونی است اما وقتی توسط یک کشور در پاسخ به و در تلاش برای بازداشتن عمل غیرقانونی پیشین توسط یک دشمن انجام شود، قانونی تلقی می‌شود. با این حال، تلافی‌جویی هرگز علیه غیرنظامیان مجاز نیست. این شرایط هم انگیزه‌های نادرست در مورد اصل تفکیک برای کسانی که در پی تغییر رژیم‌اند، را نشان می‌دهد و هم «یک مسابقه به سوی قعر»^{۲۷} در دنیای واقعی را.

دام «غیرقانونی اما مشروع»^{۲۸}: وعده دروغین مداخله بشردوستانه^{۲۹}

حتی در مواردی که هدف صریحاً تغییر رژیم نیست، اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جایی که مداخله به عنوان اقدامی بشردوستانه توجیه می‌شود (هدفی که اغلب با تغییر رژیم مرتبط است)، تحت فشار شدید قرار می‌گیرند. تحلیل‌های اخیر، بازگشت دکترین «غیرقانونی اما مشروع» را بررسی کرده‌اند. این چارچوب، که بر توجیهی مبتنی بر «مشروعیت اخلاقی» استوار است، اغلب به فروپاشی محدودیت حقوقی می‌انجامد، زیرا مهاجم هدف خود را چنان برحق می‌داند که قواعد خاص حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر «خیر بزرگ‌تر»^{۳۰} براندازی رژیم، در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، در طول جنگ کوزوو در سال ۱۹۹۹، ناتو یک بمباران ۷۸ روزه علیه نیروهای صرب انجام داد - نه در دفاع از خود و نه با مجوز صادر از سوی شورای امنیت [سازمان ملل]، و

^{۲۴} War sustaining activities

منظور فعالیت‌هایی است که به طور غیرمستقیم به ادامه جنگ کمک می‌کنند، اما خودشان عملیات رزمی یا مشارکت مستقیم در حمله نیستند مثلاً استخراج نفتی که منابع آن صرف جنگ می‌شود یا فعالیت در کارخانه تولید لباس که مورد بهره‌برداری در خلال جنگ قرار می‌گیرد یا دادن مالیات شهروندان که منابع مورد نیاز دولت درگیر جنگ را تامین می‌کند و سایر فعالیت‌های اقتصادی که جامعه در حال جنگ را تاب آور نگه می‌دارد. برخی دولت‌ها (به ویژه در بعضی تفاسیر نظامی) معتقدند هر کسی که اقتصاد جنگ را زنده نگه می‌دارد نیز می‌تواند هدف قرار گیرد. اما نظر غالب متخصصان حقوق بین‌الملل که نویسنده نیز به آن اشاره می‌کند، این است که صرف حمایت اقتصادی یا صنعتی از جنگ، شخص را به یک هدف نظامی مشروع تبدیل نمی‌کند (توضیح افزوده بر متن)

^{۲۵} Direct Participation in hostilities

^{۲۶} Right of reprisal

^{۲۷} Race to the bottom

^{۲۸} Illegal but Legitimate Trap

^{۲۹} Humanitarian Intervention

^{۳۰} larger good

بنابراین، این اقدام غیرقانونی بود. هدف اعلام شده این کارزار، بشردوستانه بود و در پاسخ به جنایات گسترده انجام شده علیه جمعیت غیرنظامی کوزوو توسط نیروهای صرب انجام شد. این کارزار عمدتاً از حملات هوایی در ارتفاع بالا، اغلب حدود ۳۰۰۰۰ فوت، برای تخریب زیرساخت‌های نظامی و در عین حال جلوگیری از پدافندهای ضد هوایی استفاده می‌کرد. حملات، تأسیسات راهبردی، نیروگاه‌ها، پل‌ها و مراکز فرماندهی را در کوزوو و صربستان، از جمله در بلگراد، هدف قرار دادند. گفته شد، که این بمباران در ارتفاع بالا مسئول خسارات و تلفات قابل توجه غیرنظامیان بود، با برآوردی، حدود دو هزار غیرنظامی کشته شده که اغلب به دلیل عدم توانایی در تشخیص اهداف نظامی از اشیاء غیرنظامی در آن ارتفاع بود. در یک ارزیابی پس از درگیری توسط دادستان دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق (گزارش مزبور در دسترس است)^{۲۱}، که این سوال را مطرح کرد: آیا ناتو در انجام "جنگی بدون تلفات" توجیه داشت یا نه، استدلالی مطرح شد [با این گزاره] که معیارهایی که معمولاً برای قواعد تفکیک، تناسب و احتیاط اعمال می‌شوند باید تعدیل گردند، زیرا دخالت ناتو صرفاً بشردوستانه بود، از این رو، نیروهای ناتو نباید همان میزان خطر را بپذیرند که سایر طرف‌های محاصمه می‌پذیرند. بمباران ناتو نیروهای صرب را مجبور به پایان دادن به کارزار پاکسازی قومی خود کرد. رژیم صربستان بیش از یک سال پس از بمباران سقوط کرد و دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق از بررسی بیشتر کارزار بمباران ناتو خودداری کرد. با این حال، بمباران ناتو در کوزوو، مهم‌ترین نمونه از توجیهات حقوقی بی‌اساس مربوط به [مجموعه موازین] حقوق توسل به جنگ است که منجر به آسیب‌هایی در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌گردد. گذشته از همه اینها، این بمباران، جنایات صرب‌ها را متوقف کرد. زمانی که از توجیهات بشردوستانه‌ی کاذب برای مشروع جلوه دادن اقدامات تجاوزکارانه استفاده می‌شود، آسیب بزرگ‌تری هم به غیرنظامیان و هم به تمامیت ساختار حقوقی وارد می‌آید.

نتیجه‌گیری

رابطه بین تغییر رژیم و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، رابطه‌ای ذاتاً تنش‌زا است. دولت‌ها با دنبال کردن یک هدف سیاسی «تمام‌عیار» که فاقد مبنای حقوقی روشن تحت [مجموعه موازین] حقوق توسل به جنگ است، محیطی از میدان نبرد ایجاد می‌کنند که در آن قواعد استاندارد تفکیک، تناسب و احتیاط به عنوان موانعی برای پیروزی تلقی می‌شوند، نه محدودیت‌های اساسی.

^{۲۱} <https://www.icty.org/en/press/final-report-prosecutor-committee-established-review-nato-bombing-campaign-against-federal>

برای حفظ حقوق بین‌الملل بشردوستانه، جامعه بین‌المللی باید در برابر «مقیاس متغیر / شناور»^{۳۲} که در آن عدالت فرضی یک آرمان برای توجیه بی‌عدالتی‌های رفتاری استفاده می‌شود، مقاومت کند.



^{۳۲} Sliding scale